

The Effectiveness of Intervention based on the Exploration of Remarriage Families' Problems on Child's Relationship with Stepparents

| Article Info | Abstract |
|--|---|
| <p>Authors: Gohar Souri¹, Kourosh Goodarzi^{2*}, Mehdi Roozbehani³</p> | <p>Purpose: This research aimed to determine the effectiveness of intervention based on the exploration of remarriage families' problems on child's relationship with stepparents.</p> <p>Methodology: This study was semi-experimental with a pretest and posttest design with control group. The research population was all remarriage families of Khorramabad city in 2019 year. The research sample was 20 families who after investigated the inclusion criteria were selected by purposive sampling method and randomly replaced into two equal groups (10 families in each group). The experimental group underwent 12 sessions of 2 hours (two sessions per week) based on an intervention based on the exploration of remarriage families' problems and the control group did not receive any training. Data were collected by the demographic information form and parent-adolescent conflict scale (Prinz and et al, 1979) and analyzed by methods of independent t-test and univariate analysis of covariance in SPSS-26 software.</p> |
| <p>Keywords: Exploration Problems, Remarriage Families, Child's Relationship with Stepparents</p> | <p>Findings: The result of t test showed that the experimental and control groups in the pretest stage have not significant difference in terms of child's relationship with stepparents ($P > 0.05$), but in the posttest stage have significant difference ($P < 0.05$). The results of analysis of covariance test showed that the intervention based on the exploration of remarriage families' problems led to significant improved child's relationship with stepparents ($P < 0.001$).</p> |
| <p>Article History: Received: 2021-01-11 Accepted: 2021-02-13 Published: 2021-05-22</p> | <p>Conclusion: Considering the effectiveness of intervention based on the exploration of remarriage families' problems on improving child's relationship with stepparents, the use of this method along with other educational and therapeutic methods is necessary to improve the child's relationship with stepparents. As a result, health professionals and therapists can use an intervention based on the exploration of remarriage families' problems to improve psychological characteristics such as child's relationship with stepparents.</p> |
| <p>Correspondence: Email: k.goodarzy@gmail.com Phone: Address:</p> | |

1. Department of Counseling, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran.
2. Department of Psychology, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran (Corresponding Author).
3. Department of Movement Behavior, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran.

اثربخشی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد بر روابط فرزند با والدخوانده

گوهر سوری^۱، کورش گودرز^{۲*}، مهدی روزبهانی^۳

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد بر روابط فرزند با والدخوانده انجام شد.

روش: این مطالعه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش همه خانواده‌های ازدواج مجدد شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۸ بودند. نمونه پژوهش ۲۰ خانواده بودند که پس از بررسی ملاک‌های ورود به مطالعه با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با روش تصادفی در دو گروه مساوی (هر گروه ۱۰ خانواده) جایگزین شدند. گروه آزمایش ۱۲ جلسه ۲ ساعته (هفته‌ای دو جلسه) تحت مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد قرار گرفت و گروه کنترل آموزشی نبود. داده‌ها با فرم اطلاعات جمعیت‌شناختی و مقیاس تعارض والد-نوجوان (پرینز و همکاران، ۱۹۷۹) جمع‌آوری و با روش‌های آزمون تی مستقل و تحلیل کوواریانس تک‌متغیری در نرم‌افزار SPSS-26 تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج آزمون تی نشان داد که گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پیش‌آزمون از نظر روابط فرزند با والدخوانده تفاوت معناداری نداشتند ($P > 0/05$)، اما در مرحله پس‌آزمون از نظر آن تفاوت معناداری داشتند ($P < 0/05$). نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد باعث بهبود معنادار روابط فرزند با والدخوانده شد ($P < 0/001$).

نتیجه‌گیری: با توجه به اثربخشی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد بر بهبود روابط فرزند با والدخوانده، استفاده از این شیوه در کنار سایر روش‌های آموزشی و درمانی جهت بهبود روابط فرزند با والدخوانده ضروری است. در نتیجه، متخصصان سلامت و درمانگران می‌توانند از روش مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد برای بهبود ویژگی‌های روانشناختی از جمله روابط فرزند با والدخوانده استفاده کنند.

کلید واژه‌ها: واکاوی مشکلات، خانواده‌های ازدواج مجدد، روابط فرزند با والدخوانده

۱. گروه مشاوره، واحد بروجرد، دانشگاه آزاداسلامی، بروجرد، ایران

۲. گروه روان‌شناسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاداسلامی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول) k.goodarzy@gmail.com

۳. گروه رفتار حرکتی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاداسلامی، بروجرد، ایران

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت انسان است که نقش موثری در رشد و شکوفایی اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان دارد (هرناندز-پرلینز، کاوین و ریبریو-سوریانو، ۲۰۲۱). فرزندان والدین مطلقه نسبت به خانواده‌های سالم از لحاظ بهزیستی روانشناختی، جایگاه اجتماعی، روابط با دوستان، اعتماد به نفس، سلامت جسمی و روانی، استرس، اضطراب، افسردگی و کیفیت زندگی در سطح پایین‌تری قرار دارند (برنستین و کراودال، ۲۰۱۲). ازدواج مجدد یعنی اینکه یکی یا هر دو زوجین بر اثر عواملی چون بیماری، فوت، طلاق و غیره از همسر قبلی خود جدا و با فرد دیگری ازدواج کند (چوی و تیندا، ۲۰۱۷). یکی از چالش‌های بزرگ خانواده‌های ازدواج مجدد، حضور فرزندان است که این چالش‌ها با توجه به سن، جنس، خلق و خو و محل سکونت جدید متفاوت است و احتمال انحلال ازدواج مجدد با حضور کودکان و نوجوانان بیشتر از ازدواج‌های مجددی می‌باشد که در آنها فرزند وجود ندارد (هیوشی^۵ و همکاران، ۲۰۱۵).

فرزندخوانده^۶ یا والدخوانده^۷ یک رابطه حقوقی است که بر اثر پذیرفتن شخصی از جانب فردی که پدر و مادر واقعی وی نیست، انجام می‌شود که به این فرزند، فرزندخوانده و به والدی که فرزند وی را به فرزندخواندگی پذیرفته، والدخوانده می‌گویند (ژو^۸ و همکاران، ۲۰۲۱). پیوند بین فرزند با والدین واقعی ناگسستنی، اما پیوند بین فرزند با والدخوانده گسستنی است و ممکن است با توجه به شرایطی از جمله طلاق والدین از هم گسسته شود (نوئل-میلر^۹، ۲۰۱۳). فرزندخواندگی معمولاً به دو شکل کامل و ناقص تقسیم می‌شود که در شکل کامل ارتباط فرزند با خانواده واقعی او به طور کامل قطع و همه اختیارها به والدین جدید واگذار می‌گردد، اما در شکل ناقص ارتباط فرزند با خانواده واقعی قطع نمی‌شود و برخی اختیارها بر عهده والدین جدید و برخی بر عهده والدین واقعی می‌باشد (کینگ و لیندسترام، ۲۰۱۶). تعارض فرزند با والدخوانده^{۱۰} یا مشکل در روابط فرزند با والدخوانده از عمده‌ترین موارد چالش‌انگیز فرزندخوانده‌ها است و حتی برخی از آنها دچار اختلال‌های روانشناختی و رفتاری می‌شوند (گانونگ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۹). تعارض‌ها در روابط خانوادگی معمولاً به شکل اختلاف نظر، مخالفت، بحث و جدل اتفاق می‌افتد و سلامت روانی افراد را کاهش می‌دهد (اسمیسس و رویلی^{۱۲}، ۲۰۱۸). چهار عامل خانوادگی شامل از هم گسیختگی خانوادگی، تعارض خانوادگی، غفلت خانوادگی و انحراف خانوادگی نقش بسیار مهمی در مشکلات رفتاری و روانی کودکان و نوجوانان حتی تعارض فرزند با والد دارد (تزکان^{۱۳}، ۲۰۱۸). کانون خانواده‌ای که بر اثر تعارض و جدال میان اعضای آن آشفته است باعث ایجاد محیط روانشناختی ناامن و بروز مشکلاتی برای هر یک از اعضای خانواده می‌شود که این محیط از طریق افزایش خشم و پرخاشگری باعث کاهش سلامت هر یک از اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان می‌شود (بریانت^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۶).

برخی والدخوانده‌ها قدرت پذیرش کمتری نسبت به فرزند همسر خود دارند و برخی از کودکان نسبت به والدخوانده احساس و هیجان مثبتی نشان نمی‌دهند که این روابط بر عملکرد کلی فرزند با والدخوانده تاثیر منفی می‌گذارد و از این رو بهبود روابط درون خانوادگی می‌تواند موثر واقع شود (گانونگ و همکاران، ۲۰۱۹). یکی از روش‌های مداخله موثر جهت بهبود روابط میان فردی

1. Hernandez-Perlines, Covin & Ribeiro-Soriano

2. Berntsen & Kravdal

3. Choi & Tienda

4. Remarriage Families

5. Hiyoshi

6. Stepchild

7. Stepparent

8. Xu

9. Noel-Miller

1. King & Lindstrom 0

1. Child's Conflict with Stepparents

1. Ganong 2

1. Smiseth & Royle 3

1. Tezcan 4

1. Bryant 5

در خانواده، مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات است (جنسن^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). این شیوه توسط بری و هاروی^۳ (۱۹۹۵) مطرح شده و یکی از شیوه‌های خانواده درمانی است که نتایج موفقیت‌آمیزی در کاهش مشکلات بین‌فردی داشته و در آن مفاهیمی چون مسائل جنسی، ارتباطی، روابط والدین با فرزندان، فرزندپروری، مسائل مربوط به فرزندخوانده و والدخوانده، تغییر در دیدگاه و مراقبت از فرزندخوانده‌ها آموزش داده می‌شود. به طور کلی، در این شیوه ابتدا سطوح ارتباطی بین کودک با والدخوانده بررسی و تقویت می‌شود و سپس عملکرد هر یک از اعضای خانواده جهت کاهش مشکلات خانوادگی بهبود می‌یابد (پاپرنو^۴، ۲۰۱۷).

پژوهش‌های اندکی درباره اثربخشی روش‌های مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات بر روابط فرزند با والدخوانده انجام شده و گاهی نتایج متفاوت بوده است. برای مثال نتایج پژوهش برگ، کالمیجن و لیپولد^۵ (۲۰۲۰) نشان داد که خانواده‌خوانده از طریق افزایش تعارض نقش موثری در ترک خانه داشت. جنسن و همکاران (۲۰۱۸) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که کیفیت روابط خانواده‌خوانده بر مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده کودکان موثر است. در پژوهشی دیگر جنسن و هریس (۲۰۱۶) گزارش کردند که کیفیت روابط خانواده‌خوانده نقش موثری در افسردگی فرزندخوانده در دوران نوجوانی و جوانی دارد. همچنین، نتایج پژوهش کریمی و دشت‌بزرگی (۱۳۹۸) حاکی از تاثیر آموزش گروهی تعامل والد-کودک بر کاهش مشکلات رفتاری و بهبود رابطه مادر-کودک بود. جوشن‌پوش، فضیلت‌پور و رحمیت (۱۳۹۶) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش روابط والد-فرزند باعث کاهش تعارض والد-نوجوان مادران شد. در پژوهشی دیگر عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) گزارش کردند که برنامه غنی‌سازی ارتباط باعث کاهش تعارضات والد-نوجوان و ابعاد آن شد. علاوه بر آن، نتایج پژوهش شکوهی‌یکتا، پرنده و درگاهی (۱۳۹۵) نشان داد که مداخله‌های خانواده‌محور باعث بهبود سبک تربیتی والدین و روابط والد-کودک شد. جلالی، احدی و کیامنش (۱۳۹۵) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش خانواده مبتنی بر رویکرد اولسون باعث بهبود انطباق و انسجام خانواده شد. پس، این برنامه می‌تواند نقش موثری در بهبود سیستم خانواده داشته باشد. در پژوهشی دیگر ودادیان، قنبری هاشم‌آبادی و مشهدی (۱۳۹۰) گزارش کردند که گروه درمانی چندخانواده‌ای باعث حل تعارضات والدین-فرزندان شد، اما تاثیر معناداری بر کاهش پرخاشگری نوجوانان نداشت.

از یک سو فرزندان والدین مطلقه نسبت به فرزندان خانواده‌های سالم دارای مشکلات روانشناختی بیشتری هستند (برنستین و کراودال، ۲۰۱۲) و مشکلات این فرزندان معمولاً هنگامی که والد آنها ازدواج می‌کند و به اصطلاح آنها به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند بیشتر می‌شود (گانونگ و همکاران، ۲۰۱۹). از سوی دیگر یکی از روش‌های خانواده درمانی که درباره آن پژوهش‌های اندکی انجام شده روش مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد است که در داخل کشور پژوهشی درباره اثربخشی آن یافت نشد و در خارج از کشور نیز پژوهش‌های بسیار اندکی درباره آن انجام شده است. پس، درباره اثربخشی روش‌های مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات بر روابط فرزند با والدخوانده پژوهش‌های اندکی انجام شده و نکته مهم‌تر اینکه گاهی نتایج پژوهش‌های درباره آن متفاوت است. در نتیجه، با توجه به مشکلات فراوانی که فرزندخوانده‌ها با آن مواجه هستند، پیشینه پژوهشی اندک درباره اثربخشی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات و تفاوت در نتایج پژوهش‌ها، این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد بر روابط فرزند با والدخوانده انجام شد.

1 . Intervention based on the Exploration of Problems

2 . Jensen

3 . Bray & Harvey

4 . Papernow

5 . Berg, Kalmijn & Leopold

روش

این مطالعه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش همه خانواده‌های ازدواج مجدد شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۸ بودند. نمونه پژوهش ۲۰ خانواده بودند که پس از بررسی ملاک‌های ورود به مطالعه با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در این روش نمونه‌گیری پژوهشگر پس از بررسی ملاک‌های ورود به مطالعه تعداد ۲۰ خانواده که شرایط لازم را داشتند به‌عنوان نمونه انتخاب کرد. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل ازدواج مجدد حداقل در یکی از زوجین، داشتن حداقل یک فرزند در یک یا هر دو زوجین از ازدواج قبلی، داشتن سواد خواندن و نوشتن، عدم اعتیاد، عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی و عدم سابقه دریافت خدمات روانشناختی در سه ماه گذشته و ملاک‌های خروج از مطالعه شامل غیبت بیشتر از دو جلسه، همکاری پایین در جلسات مداخله و انصراف از ادامه همکاری بودند. روند اجرای پژوهش این‌طور بود که پس از دریافت کد اخلاق با شناسه IR.IAU.B.REC.1397.056 از کمیته علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لرستان و هماهنگی‌های لازم و نمونه‌گیری، برای نمونه‌ها اهمیت و ضرورت پژوهش بیان و درباره رعایت نکات اخلاقی از جمله رازداری، حفظ حریم شرکت‌کنندگان، محرمانه‌ماندن اطلاعات شخصی و غیره اطمینان خاطر داده شد و فرم رضایت‌نامه شرکت آگاهانه در پژوهش به امضای همه اعضای خانواده رسید. سپس خانواده‌ها به روش تصادفی ساده به دو گروه مساوی تقسیم (هر گروه ۱۰ خانواده) و یکی از گروه‌ها به‌عنوان گروه آزمایش و گروه دیگر به‌عنوان گروه کنترل انتخاب شد. گروه آزمایش ۱۲ جلسه ۲ ساعته (هفته‌ای دو جلسه) تحت مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد قرار گرفت و گروه کنترل آموزشی ندید و در لیست انتظار برای آموزش قرار گرفت. مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد برای ۱۲ جلسه توسط پژوهشگران طراحی و شاخص‌های روان‌سنجی آن توسط متخصصان و درمانگران تایید شد. به طوری که دامنه اعتبار ارزیابی‌کنندگان این پروتکل از طریق ضریب همبستگی در دامنه ۰/۷۶ تا ۰/۸۲ و از طریق ضریب کاپا در دامنه ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ بدست آمد. این محتوی توسط یک متخصص روان‌درمانی در مرکز مشاوره بنیاد شهید شهر خرم‌آباد به صورت گروهی با استفاده از روش‌های سخنرانی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ و تمرین مهارت‌ها اجرا شد که هدف و محتوی آن به تفکیک جلسات در جدول ۱ ارائه شد.

جدول ۱. هدف و محتوی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد به تفکیک جلسات

| جلسه | هدف | محتوی |
|-------|--|--|
| اول | تعریف خانواده‌های ازدواج مجدد | آشنایی اعضا با هم، معرفی مدخله‌گر، بیان اهداف شرکت در برنامه، تشریح مشکلات ارتباطی در خانواده‌های ازدواج مجدد |
| دوم | ویژگی‌های خانواده‌های ازدواج مجدد | تشریح ساختار پیچیده خانواده‌های ازدواج مجدد، تاریخچه پیچیده اعضای خانواده‌های ازدواج مجدد، تفاوت در آداب و رسوم خانواده‌های ازدواج مجدد و تفسیر مراحل شکل‌گیری رویاپردازی، غوطه‌وری، آگاهی، تغییرپذیری، عمل، تماس و ثبات |
| سوم | شناسایی مثلث‌های خانواده‌های ازدواج مجدد | تعریف و ترسیم ژنوگرام، بیان انواع مثلث‌ها از جمله کودک، پدر اصلی، مادرخوانده، فرزندان، مادر، نامادری، شوهر، همسر سابق، همسر جدید، تکمیل کاربرد جهت شناسایی مثلث‌های خانواده و تشریح تمایز یافتگی، همپوشی، بریدگی و گسلس |
| چهارم | آموزش راهبردهای صمیمیت و نزدیکی | آموزش تمرکز بر خود و تمرکز بر روابط دوتایی، تشریح علل شکل‌گیری مثلث، خنثی‌سازی جریان عاطفی مثلث، تعریف روابط درست، منصفانه و دوستانه و تمرکز بر ایجاد و رشد محبت قبل از تاکید بر نظم و انضباط |
| پنجم | بیان مشکلات زوجین و آموزش مهارت‌های زوجی | آموزش سبک‌های دلبستگی زوجین و ارتباط آن با مشکلات خانوادگی و آموزش مهارت‌های افزایش صمیمیت زوجین |

| | | |
|---------|--|--|
| ششم | بیان مشکلات زوجین و آموزش مهارت‌های زوجی | آموزش مهارت‌های ارتباط موثر مذاکره و همدلی و آموزش مهارت‌های حل مساله و تصمیم‌گیری |
| هفتم | مشکلات ارتباطی همسران با خانواده اصلی | مداخله در حضور خانواده اصلی و آموزش مفاهیم گسلش، تنیدگی و تفکیک خود و نقش آن در ارتباط با خانواده اصلی |
| هشتم | مشکلات ارتباطی همسران با خانواده اصلی | تغییر قوانین خانواده اصلی و رابطه با فرزندان و آموزش به خانواده اصلی برای عدم دخالت در تربیت فرزندخوانده |
| نهم | مشکلات ارتباطی والدین و فرزندخوانده‌ها و فرزندپروری | بیان مشکلات ارتباطی فرزندخوانده‌ها و والدخوانده‌ها در ازدواج مجدد، بیان وضعیت دشوار فرزندخوانده‌ها، تشریح نیازهای اساسی (نیاز به محرک، نیاز به سازماندهی و نیاز به جایگاه) و امکان ابراز احساسات نسبت به والد غایب در حضور والدخوانده‌ها |
| دهم | آموزش مهارت‌های ارتباطی، احساس تعلق، توانمندی و ارزشمندی | تشریح چگونگی روابط والدخوانده و فرزندخوانده، چگونگی ارتباط همسر قبلی با والد مشترک در رابطه با رشد فرزندخوانده‌ها، وقت‌گذاری دونفری، پروژه‌های دونفری و بستن قرارداد وابستگی |
| یازدهم | مشکلات اقتصادی | آموزش افزایش عملکرد خانواده‌های ازدواج مجدد در اصول مدیریت منابع مالی، معرفی فاکتورهای لازم برای مدیریت مالی، تشریح تکنیک‌های اولویت‌بندی و شناسایی صرف هزینه و مدیریت هزینه از دیدگاه سنتی و مدرن |
| دوازدهم | بهبود مدیریت مالی | آموزش شیوه برنامه‌ریزی اقتصادی برای آینده، نیاز به مشاور اقتصادی خانواده، افزایش دانش اقتصادی، تعامل اقتصادی بین خانواده‌ها و تلاش برای شاغل شدن و اشتغال‌زایی |

داده‌ها با فرم اطلاعات جمعیت‌شناختی و مقیاس تعارض والد-نوجوان^۱ در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون جمع‌آوری شدند. این مقیاس توسط پرینز^۲ و همکاران در سال ۱۹۷۹ ساخته شد که دارای دو فرم بلند (۷۵ گویه‌ای) و کوتاه (۲۰ گویه‌ای) است که در این پژوهش از فرم کوتاه استفاده شد. این مقیاس به صورت درست و نادرست نمره‌گذاری می‌شود که به گزینه درست نمره یک و به گزینه نادرست نمره دو تعلق می‌گیرد. پس، دامنه نمرات بین ۲۰ الی ۴۰ است که نمره بالاتر نشان‌دهنده تعارض بیشتر در رابطه والد-نوجوان می‌باشد. روایی این ابزار با روش تحلیل عاملی اکتشافی، تایید و پایایی آن با روش بازآزمایی در گزارش نوجوان ۰/۷۵ و در گزارش والدین ۰/۸۲ بدست آمد. در ایران، طباطبایی‌پور، صباحی و الوندی‌کیش (۱۳۹۷) پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ در گزارش مادر ۰/۸۹، گزارش پدر ۰/۸۱ و کل ۰/۸۸ بدست آوردند. در پژوهش حاضر مقدار پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه شد.

داده‌ها پس از جمع‌آوری با روش‌های آزمون تی مستقل و تحلیل کوواریانس تک‌متغیری در نرم‌افزار SPSS-26 تحلیل شدند.

۱ . Parent-Child Scale

۲ . Prinz

یافته‌ها

در این پژوهش ۲۰ خانواده در دو گروه مساوی حضور داشتند که نتایج مقایسه میانگین سنی آنها بر اساس آزمون تی مستقل در جدول ۲ ارائه شد.

جدول ۲. مقایسه میانگین سنی خانواده‌های ازدواج مجدد بر اساس آزمون تی مستقل

| معناداری | گروه کنترل | گروه آزمایش | متغیر |
|----------|--------------|--------------|-------------------------------|
| | انحراف معیار | انحراف معیار | میانگین |
| >۰/۰۵ | ۱/۴۵ | ۱/۹۰ | سن فرزند یا فرزندخوانده ۱۴/۲۰ |
| >۰/۰۵ | ۴/۸۴ | ۳/۹۷ | سن مادر یا مادرخوانده ۳۵/۷۰ |
| >۰/۰۵ | ۷/۰۲ | ۹/۵۸ | سن پدر یا پدرخوانده ۴۶/۱۰ |

طبق نتایج جدول ۲، گروه‌های آزمایش و کنترل از نظر سن فرزند یا فرزندخوانده، سن مادر یا مادرخوانده و سن پدر یا پدرخوانده تفاوت معناداری نداشتند ($P > 0/05$). نتایج مقایسه روابط فرزند با والدخوانده گروه‌های آزمایش و کنترل در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون بر اساس آزمون تی مستقل در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳. مقایسه میانگین روابط فرزند با والدخوانده در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون بر اساس آزمون تی مستقل

| معناداری | گروه کنترل | گروه آزمایش | مراحل / گروه‌ها |
|----------|--------------|--------------|-----------------|
| | انحراف معیار | انحراف معیار | میانگین |
| >۰/۰۵ | ۴/۳۱ | ۵/۵۹ | پیش‌آزمون ۳۲/۶۵ |
| <۰/۰۵ | ۴/۲۱ | ۴/۹۰ | پس‌آزمون ۲۴/۵۲ |

طبق نتایج جدول ۳، گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پیش‌آزمون از نظر روابط فرزند با والدخوانده تفاوت معناداری نداشتند ($P > 0/05$)، اما در مرحله پس‌آزمون از نظر آن تفاوت معناداری داشتند ($P < 0/05$).

پیش از تحلیل داده‌ها با روش تحلیل کوواریانس، مفروضه‌های آن بررسی که بر اساس نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف فرض نرمال بودن گروه‌ها در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون تایید، بر اساس نتایج آزمون لوین فرض همگنی واریانس‌ها و بر اساس نتایج آزمون ام‌باکس فرض همگنی کوواریانس‌ها تایید شد. بنابراین، استفاده از تحلیل کوواریانس مجاز است. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد بر روابط فرزند با والدخوانده در جدول ۴ ارائه شد.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس برای تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد بر روابط فرزند با والدخوانده

| منبع اثر | مجموع مجذورات | df | میانگین مجذورات | آماره F | معناداری | اندازه اثر | توان آماری |
|-----------|---------------|----|-----------------|---------|----------|------------|------------|
| پیش‌آزمون | ۳۲۶/۱۷۴ | ۱ | ۳۲۶/۱۷۴ | ۳۱/۱۲۹ | <۰/۰۰۱ | ۰/۴۵۷ | ۰/۹۹۸ |
| گروه | ۶۹۵/۶۹۶ | ۱ | ۶۹۵/۶۹۶ | ۶۶/۳۹۵ | <۰/۰۰۱ | ۰/۶۴۲ | ۱/۰۰۰ |
| خطا | ۳۸۷/۷۰۹ | ۳۷ | ۱۰/۴۷۸ | | | | |
| کل | ۳۲۹۵/۱۳۵ | ۴۰ | ۸۲/۳۷۸ | | | | |

طبق نتایج جدول ۴، مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد باعث بهبود معنادار روابط فرزند با والدخوانده شد ($P < 0.001$). با توجه به جدول میانگین‌ها این مداخله باعث بهبود روابط فرزند با والدخوانده شده که بر اساس مقادیر اندازه اثر ۰/۶۴ درصد تغییرات ناشی از روش مداخله یعنی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد است.

نتیجه‌گیری

فرزندان والدین مطلقه با مشکلات فراوانی مواجه هستند و هنگامی که والد آنها با فرد دیگری ازدواج می‌کند، مشکلات آنان در زندگی با والدخوانده نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه، این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد بر روابط فرزند با والدخوانده انجام شد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد باعث بهبود روابط فرزند با والدخوانده شد. با اینکه پژوهشی درباره این نوع مداخله بر بهبود روابط فرزند با والدخوانده یا تاثیر آن بر روابط والد-فرزند یافت نشد، اما نتایج این پژوهش از جهاتی با نتایج پژوهش‌های برگ و همکاران (۲۰۲۰) مبنی نقش خانواده‌خوانده در افزایش تعارض فرزندخوانده‌ها، جنسن و هریس (۲۰۱۸) مبنی بر تاثیر کیفیت روابط خانواده‌خوانده بر کاهش مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده کودکان، جنسن و همکاران (۲۰۱۶) مبنی بر نقش کیفیت روابط خانواده‌خوانده بر افسردگی فرزندخوانده در دوران نوجوانی و جوانی، کریمی و دشت‌بزرگی (۱۳۹۸) مبنی بر تاثیر آموزش گروهی تعامل والد-کودک بر کاهش مشکلات رفتاری و بهبود رابطه مادر-کودک، جوشن‌پوش و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر اثربخشی آموزش روابط والد-فرزند باعث کاهش تعارض والد-نوجوان، عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر برنامه غنی‌سازی ارتباط بر کاهش تعارضات والد-نوجوان و ابعاد آن، شکوهی‌یکتا و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر اثر مداخله‌های خانواده‌محور بر بهبود سبک تربیتی والدین و روابط والد-کودک، جلالی و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر آموزش خانواده مبتنی بر رویکرد اولسون بر بهبود انطباق و انسجام خانواده و ودادیان و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر اثربخشی گروه درمانی چندخانواده‌ای باعث حل تعارضات والدین-فرزندان همسو بود.

در تفسیر و تبیین این نتایج می‌توان گفت که دوره نوجوانی به دلیل ظهور نیازهای جدید در نوجوانان از جمله نیاز به احساس قدرت و عشق و تفاوت در نیازهای نوجوانان با والدین آنها، مخالفت‌ها و تعارض‌هایی بین آنها بوجود می‌آید و اگر به جای والدین واقعی نوجوانان، والدخوانده‌ها در خانواده باشند این مخالفت‌ها و تعارض‌ها بیشتر می‌شود. از آنجا که هر یک از طرفین درصدد ارضای نیازهای خود به کنترل طرف دیگر می‌پردازند و از برآورده کردن نیازهای دیگری اجتناب می‌کنند، این تعارض‌ها افزایش می‌یابد. در برنامه مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد افراد شرکت‌کننده نسبت به این امر آگاهی پیدا کرده و متوجه می‌شوند که می‌توانند نیازهای خود را از طریق کنترل درونی و به روش‌های مطلوب برآورده کنند. همچنین، آنها متوجه می‌شوند که افراد با توجه به ادراکی که از واقعیت دارند، نیازها و شیوه برآورده کردن آنها با هم متفاوت است. این تفاوت نه تنها بین آنها و والدین‌شان است، بلکه بین همه انسان‌ها وجود دارد. افرادی که در مکان مشترکی زندگی می‌کنند به طور طبیعی دچار اختلاف و تعارض می‌شوند که می‌توان این تعارض‌ها را از طریق ارتباط موثر و روش‌های کارآمد برطرف کرد. در نتیجه، برنامه مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد باعث می‌شود که افراد از میزان کنترل و اجبار خود بر والدین جهت برآورده کردن نیازهای خود بکاهند و توجه خود را به رفتارهای خود معطوف کنند. زمانی که فردی به این واقعیت دست می‌یابد که خود مسئول رسیدن به نیازهایش است، تحقق این نیازها به‌عنوان یک عامل تقویتی محسوب می‌شود که نتیجه آن رضایت فرد از خود و زندگی است و به این ترتیب نوجوان و والدین بر اساس افکار منطقی و با توجه به نیازهای عاطفی و هیجانی یکدیگر برخورد کرده و حریم یکدیگر را رعایت می‌کنند. نکته مهم دیگر اینکه از وظایف مهم در خانواده‌های ازدواج مجدد برقراری ارتباط موثر با فرزندخوانده‌ها و پرورش آنها است. این خانواده‌ها مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی فرزندان طلاق یا تک‌والد هستند و می‌توانند در صورت آموزش مناسب و کافی بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی و پرورش فرزندان طلاق فراهم کرده و استقلال و خودمختاری آنها را افزایش دهند. در نتیجه، مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد از طریق هدف‌ها و محتواهایی که آموزش می‌دهد، می‌تواند باعث کاهش تعارض بین فرزند با والدخوانده یا بهبود روابط فرزند با والدخوانده شود.

مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر شامل استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی، عدم پیگیری نتایج برای تعیین تداوم اثربخشی نتایج مداخله، عدم بررسی نتایج به تفکیک جنسیت، حجم نمونه نسبتاً اندک در گروه‌ها، محدودشدن جامعه پژوهش خانواده‌های ازدواج مجدد شهر خرم‌آباد و استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند بود. بنابراین، استفاده از مصاحبه جهت جمع‌آوری داده‌ها، بررسی تداوم اثربخشی روش مداخله در بلندمدت، استفاده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی، بررسی نتایج به تفکیک جنسیت فرزندخوانده‌ها، افزایش حجم نمونه در گروه‌ها و انجام این پژوهش بر روی خانواده‌های سایر شهرها با توجه به فرهنگ‌های متفاوت و مقایسه نتایج آنها با نتایج پژوهش حاضر می‌تواند نتایج مفیدی در پی داشته باشد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر یعنی اثربخشی مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد بر بهبود روابط فرزند با والدخوانده، استفاده از این شیوه در کنار سایر روش‌های آموزشی و درمانی جهت بهبود روابط فرزند با والدخوانده ضروری است. در نتیجه، متخصصان سلامت و درمانگران می‌توانند از روش مداخله مبتنی بر واکاوی مشکلات خانواده‌های ازدواج مجدد برای بهبود ویژگی‌های روانشناختی از جمله روابط فرزند با والدخوانده استفاده کنند.

References

- Abdollahzadeh A, Zaharakar K, Davarniya R, Shakarami M & et al. (2016). The effect of relationship enhancement program (REP) on reducing parent-child conflicts. *Journal of Prevention and Health*; 2(30): 53-62. [[Link](#)]
- Berg VL, Kalmijn M, Leopold T. (2020). Stepfamily effects on early home-leaving: The role of conflict and closeness. *Journal of Marriage and Family*; 6: 1-17. [[Link](#)]
- Berntsen KN, Kravdal O. (2012). The relationship between mortality and time since divorce, widowhood or remarriage in Norway. *Social Science & Medicine*; 75(12): 2267-2274. [[Link](#)]
- Bray JH, Harvey DM. (1995). Adolescents in stepfamilies: Developmental family interventions. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*; 32(1): 122-130. [[Link](#)]
- Bryant CM, Futris TG, Hicks MR, Lee T, Oshri A. (2016). African American stepfather-stepchild relationships, marital quality, and mental health. *Journal of Divorce & Remarriage*; 57(6): 375-388. [[Link](#)]
- Choi KH, Tienda M. (2017). Boundary crossing in first marriage and remarriage. *Social Science Research*; 62: 305-315. [[Link](#)]
- Ganong L, Jensen T, Sanner C, Russell L, Coleman M. (2019). Stepfathers' affinity-seeking with stepchildren, stepfather-stepchild relationship quality, marital quality, and stepfamily cohesion among stepfathers and mothers. *Journal of Family Psychology*; 33(5): 521-531. [[Link](#)]
- Hernandez-Perlines F, Covin JG, Ribeiro-Soriano DE. (2021). Entrepreneurial orientation, concern for socioemotional wealth preservation, and family firm performance. *Journal of Business Research*; 126: 197-208. [[Link](#)]
- Hiyoshi A, Fall K, Netuveil G, Montgomery S. (2015). Remarriage after divorce and depression risk. *Social Science & Medicine*; 141: 109-114. [[Link](#)]
- Jalali I, Ahadi H, Kiyamanesh AR. (2016). The effectiveness of family training based on Olson approach for family adaptation and cohesion. *Journal of Psychological Models and Methods*; 7(24): 1-22. [[Link](#)]
- Jensen TM, Harris KM. (2016). Stepfamily relationship quality and stepchildren's depression in adolescence and adulthood. *Emerging Adulthood*; 5(3): 191-203. [[Link](#)]
- Jensen TM, Lippold MA, Kills-Koonce R, Fosco G. (2018). Stepfamily relationship quality and children's internalizing and externalizing problems. *Family Process*; 57(2): 447-495. [[Link](#)]
- Joshan-Poush S, Fazilat-Pour M, Rahmati A. (2017). The effectiveness of parent-child relationship training based on ACT on the parent-adolescent conflict of mothers with epileptic child. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*; 7(2): 39-50. [[Link](#)]
- Karimi E, DashtBozorgi Z. (2019). Effectiveness of parent-child interaction group training on behavioral problems and mother-child relationship in mentally retarded children. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*; 7(5): 36-43. [[Link](#)]
- King V, Lindstrom R. (2016). Continuity and change in stepfather-stepchild closeness between adolescence and early adulthood. *Journal of Marriage and Family*; 78(3): 730-743. [[Link](#)]
- Noel-Miller CM. (2013). Former stepparent's contact with their stepchildren after midlife. *The Journal of Gerontology*; 68(3): 409-419. [[Link](#)]
- Papernow P. (2017). Clinical guidelines for working with stepfamilies: What family, couple, individual, and child therapists need to know. *Family Process*; 57(1): 25-51. [[Link](#)]
- Prinz RJ, Foster S, Kent RN, O'Leary KD. (1979). Multivariate assessment of conflict in distressed and nondistressed mother-adolescent dyads. *Journal of Applied Behavior Analysis*. 12(4): 691-700. [[Link](#)]

- Shokoohi-Yekta M, Parand A, Dargahi M. (2016). Family-based preventive interventions: Effects on parent-child relationship and parenting styles. *Journal of Child Mental Health*; 3(2): 55-63. [[Link](#)]
- Smiseth PT, Royle NJ. (2018). The resolution of conflict in families. *Current Opinion in Insect Science*; 28: 8-12. [[Link](#)]
- TabatabaeiPoor SMM, Sabahi P, Alvandi-Kish M. (2018). Investigation the relationship between perceived social supports, adolescent's conflict with parents and psychological capital with social function disorder. *Quarterly Journal of Semnan Police Science*. 8(29): 97-110. [[Link](#)]
- Tezcan T. (2018). On the move in search of health and care: Circular migration and family conflict amongst older Turkish immigrants in Germany. *Journal of Aging Studies*; 46: 82-89. [[Link](#)]
- Vadadian Z, Ghanbari Hashemabadi BA, Mashhadi A. (2011). Effectiveness of multifamily group therapy on solving parent-adolescent conflicts and reduction of aggression in 14-15 years old girls in Mashhad. *Clinical Psychology Studies*; 1(4): 18-42. [[Link](#)]
- Xu Y, Yan X, Liu X, Zhao X. (2021). Identifying key factors associated with ride splitting adoption rate and modeling their nonlinear relationships. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*; 144: 170-188. [[Link](#)]